

فاطمه عليها السلام
المرضاة والبراءة



«علمداران ظهور»

اگر بنا باشد حضرت حجت عجل الله تعالى فرجه تشریف بیاورند که بنا به سنت قطعی الهی خواهند آمد، حتماً

باید ادعیهی حضرت فاطمه سلام الله علیها به عنوان علم انقلاب ایشان مطرح شود.

«حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها امام حرکت های قرآنی»

يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنِكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا
امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَرَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مَصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ
لِكُلِّ مَا أَنَا بِهِ أَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْتِ بِهِ وَصِيئُهُ،
فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدِّقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا بِتَصَدِيقِنَا
لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ



مكتبة آية الله العظمى
عبدالمجید خاوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمةَ وَآبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَسِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

افعال انسان براساس کتاب صحیفه فاطمیه؛ ۱۳ دی ۱۴۰۳

ستایش، نیایش و پرستش مزوج در همه ادعیه حضرت زهرا سلام الله علیها

دقیقه ۰ تا ۱۰

یک بحثی را جلسه پیش داشتیم در اینکه افعال انسان به سه بخش نیایش، پرستش و ستایش تفکیک می شوند. اینها می شوند سرچشمه هایی که وقتی به هم مرتبط شوند اعمال خیر می تواند از آنها صادر شود. مطالبی که به صورت خلاصه گفتیم و خیلی مهم بود این بود که انسان در فطرت خود به سه فعل نیایش و پرستش و ستایش مایل است. و سعی می کند همه افعال خود را از این سه فعل عبور دهد. هرچند بعضی وقتها توفیق و قدرت آنرا پیدا نمی کند.

شناسایی این سه و خالص کردن آنها برای خدا اصل عبودیت و بندگی است. به همین دلیل در قرآن مطرح می شود:

لَهُ الْحَمْدُ

حمد و ستایش فقط مخصوص خدا است.

لَهُ الْأَمْرُ يَا لَهُ الْحُكْمُ يَا لَهُ الدِّينُ

یعنی پرستش فقط مخصوص خدا است. و هرجا بحث دعوت دارد

لَهُ دَعْوَةٌ

دعوت خالصانه و دعاها به سوی اوست. نیایش به آنجا است.

تمام این مواردی که اینجا گفتیم آیات بسیاری در قرآن دارد که خیلی راحت شما می توانید آنرا ببینید. مثلاً در سوره رعد:

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي

ضَلَالٍ ﴿١٤﴾

بحث دعا و استجابات اینجا قرار می گیرد.

این سه که سه مؤلفه توحید هم هستند یعنی هم از نظر فطرت و هم توحید، چون شما یک جا می گوید:

لَهُ الْأَمْرُ يَا لَهُ الْحُكْمُ يَا لَهُ الدِّينُ و یک جا لَهُ الْحَمْدُ می گوید. و یا لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ می گوید. یک جا لَهُ الْمُلْكُ می گوید. بیشترین باری که خدا در قرآن ذکر شده همین حالت پرستش است که انواع ذکر مثل لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا اللَّهُ أَكْبَرُ مربوط به این می شوند. این خلاصه بحثی بود که جلسه پیش گفتیم.

بحث بعدی هم که کردیم گفتیم ادعیه حضرت زهرا سلام الله علیها و البته بقیه ادعیه ها از هر سه، حظی دارند. و شما نمی توانید آنها را جدا کنید و قابل جدا نیستند اتفاقاً درهم تنیده شدن این سه منجر به اخلاص می شود. شما کمال مطلق را ببینید، خیر را ببینید، خوبی را ببینید، از آن طرف امر به خوبی را ببینید و از آن طرف، نیازها را به خدا ارجاع دهید. اینجا یک چرخه درست می کنند که چرخه توحید است. هر کدام از اینها ممکن است نقص پیدا کند چرخه توحید نقص پیدا می کند. اینجا انسان ممکن است مشکل با خیر و حُسن پیدا کند. اینجا ممکن است با احکام زندگی مشکل پیدا کند. اینجا هم ممکن است دعای او ناخالص شود. خلوص در دعا، شناخت خیر و حسن، احکام زندگی، اینها مواردی هستند که خیلی مهم هستند. و نمونه ای را به عنوان اینکه مقداری درک ما از این سه تا بیشتر شود ببینیم در سوره مؤمنون به چه صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

مؤمنون در صلوات خود خاشع هستند. از لغو اعراض دارند. زکات می دهند. خودشان را حفظ می کنند. امانات و عهد را رعایت می کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾

می توانیم اینها را با هم کامل ارتباط بدهیم. مثلاً صلوات دو بار ذکر شده است.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾

نماز روی این بخش می آید. هر چند نماز همه اینها را در خود دارد ولی اصل اینجا می شود.

عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، زکاة فاعلون، فروج حافظون، امانات و عهد راعون، اینها در وهله اول در احکام می آیند. چون همه آنها از این جهت امر خدا هستند. ولی از جهت تشخیص مصادیق، اینجا می آیند. (نیاز به تصویر) بحث زکات هم اینجا قرار می گیرد هم آنجا قرار می گیرد. از جهت امر اینجا قرار می گیرد از جهت فعل که می خواهد تحقق پیدا کند، حد و حصر پیدا کند آنجا قرار می گیرد.

سؤال: خلوص آن چیست؟

پاسخ: وقتی نماز باشد، زکات انجام شود، همه اوامر گفته شده انجام شود، به اعتبار پرستش است. یعنی طرف وقتی دارد کاری را انجام می دهد بر اساس خیر یا حُسن انجام دهد. انجام بدهد ولی درست انجام دهد. زکات خود را درست انجام دهد. خود فعل انجام دادن آن امر می شود و خوب انجام دادن آن بالای این می شود. (نیاز به تصویر) بعد این چرخه درست می کند.

سؤال: تزکیه که به آن می رسد خلوص را هم می توانیم به آن مرتبط کنیم یا خیر؟

پاسخ: خیر بایستی چرخه تولید کند. به همین دلیل در اول آن خشوع در صلوة را مطرح می کنند، زکات را مطرح می کنند. بعد دوم مرتبه بحث نماز علی صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ پایین قرار می گیرد. اینها یک مدل نگاه است که انسان وقتی نسبت به زندگی خود پیدا می کند می تواند سه تا بعد به هر رفتار خود بدهد.

ابعاد کار خیر

یعنی اینطور می شود که هر کار خیری، مثلاً فکر کنید صلح رحم، وساطت برای ازدواج، هر کار خیری یک جنبه آن که مهم است این است که باید امر خدا باشد. چون آن کار خیر را برای چه انجام می دهیم؟ چون امر خدا است. یعنی شما برای هر کار خیری حداقل این سه جنبه را می توانید داشته باشید.

دومین جنبه آن این است که خیر است، حسن است. این زیبا انجام دادن آن است. هر کار خیر چون امر خدا است باید زیبا انجام داده شود و بعد احساس عجز در انجام کامل آن است. که این باید تبدیل به دعا و نیایش شود. بعضی کار خیر که می کنند همیشه حالتی از دل گرفتگی دارند، البته خوشحال هستند که آن کار را انجام می دهند ولی باز هم احساس می کنند که حق آن کار را درست ادا نکردند. این مربوط به این بخش می شود. آدم خوب نیست کار خیر را انجام می دهد فکر کند حق آن کار خیر را ادا کرده است. این منجر به این می شود که غرور او را بگیرد آدم همیشه باید احساس کند که کار خوب خیلی ارزش داشته است و من نتوانسته ام ارزش آنرا ادا کنم. نه اینکه ناراحت شود سعی کند کارهای بعدی را بهتر انجام دهد. شما در مادری خود، در همسرداری خود، یک موقع می گوید من همه حق را ادا کردم. وقتی می گوید همه حق را ادا کردم مثل بازی مارپله که ماری به شما نیش می زند و شما پایین می آید یکی شما را از

آن بالا پایین می‌اندازد. همان موقع شروع می‌کنید خطا انجام دادن و خلاصه تمام کارهایی را که انجام داده بودید خودتان می‌سوزانید. ولی اگر آدم احساس کند که واقعاً باید خدا کمک کند تا آدم بتواند ادای حقّ کند، ادای امانت کند، ادای عهد کند. نگاه می‌کنید در کار خیر برای اینکه خیر شود این چند چیز لازم است.

۱. هر کار خیری برای اینکه خیر باشد باید از لغو دور باشد یعنی کار اضافی نباید بکنید. کار باید سر جای خود و به موقع انجام شود.

۲. بایستی در انجام خیر بخل نکنید.

۳. بایستی راه شیطان به خود را ببندید. راه سیطره شیطان را ببندید.

۴. امانتی را که نسبت به آن حصر و آن عهدی را که دارید سعی کنید ادا کنید. یعنی بنای شما این باشد که این عهد و امانت باید ادا شود. هر کار خیری چهار بُعد دارد. کار خیر برای اینکه زیبا انجام شود؛ انسان باید هم دعا داشته باشد، هم امر خدا را برای انجام آن داشته باشد و هم روی آن به سمت کمال باشد.

این سوره خیلی سوره عجیبی است. آیات آن همانطور که مطرح می‌شود به آیه **يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾** می‌رسد. خطاب به رسل می‌شود. رسل کسانی هستند که دارند پیام خدا را انتقال می‌دهند. **كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحَاتٍ** به آنها امر شد. **وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾** دوباره به آنها امر شد. باز هم در لایه امر است ولی اینجا خدا دارد آنها را به یک سری اَمّت شدنی دلالت می‌دهد. یک حُسن اَمّت شدن را ذکر می‌کند. به رسول در خوردن، طیبات، و عمل صالح امر می‌کند. مثل اینکه از طیبات است که عمل صالح خارج می‌شود. و می‌گوید:

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾

در ادامه یک سری افرادی را که از این کاروان جا مانده‌اند را ذکر می‌کند.

فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي عَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾

یک سری افرادی را نشان می‌دهد که اینها از اَمّت جامانده‌اند، یا طیبات را میل نکردند یا عمل صالح انجام ندادند یا طیبات را خوردند و عمل صالح انجام ندادند.

تَقَطُّوا

اینها جدا شدند. عده‌ای جدا شدند. این آیات خیلی آیات عجیبی است.

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ ﴿٥٥﴾

از آنهایی که جدا شدند سؤال می پرسد. یک سری انبیاء هستند که این چرخه را درست می کنند. یک سری جدا شدند حالا به اینها که

جدا شدند رو می کند و اینطور از آنها سؤال می پرسد:

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنِ ﴿٥٥﴾

آیا آنان گمان می کنند اموال و فرزندان که به عنوان کمک به آنها دادیم

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾

برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم؟

دقیقه ۲۰ تا ۳۰

در ذهن شان این است که کمال، حسن، به این امت شدن نیست؛ بلکه به داشتن مال و اولاد است. فکر اینها امت شدن نیست، فکر اینها خانواده خود را گسترش دادن است.

أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنِ^۱ یعنی به آنها هم روزی و هم مال و هم فرزند دادیم آیا اینها

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ

تصورشان این است که اینها جزو خیراتند؟!

بَلْ لَا يَشْعُرُونَ^۲

بلکه اینها نه! نمی دانند و علم ندارند. منظور این است که اینها فهم شان کار نمی کند. خود آیات **إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ** وَ

الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ

فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ^۳

ما کسانی را می گوئیم که سرعت و سبقت در خیرات دارند که این خصوصیات را داشته باشند. اول خشیت است

خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

^۱ سوره مؤمنون، آیه ۵۵

^۲ سوره مؤمنون، آیه ۵۶

^۳ سوره مؤمنون، آیات ۵۷ تا ۶۱

می‌توانید بگویید مشفق بودن، دوم ایمان به آیات هست. ایمان به آیات یعنی گرویدن به انبیا و اولیا و کتاب آسمانی است. سوم دوری از شرک است.

چهارم **الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا** یعنی اتی.

پنجم **وَجَلْت**؛ ترس از رجوع بازگشت به خدا. هر کدام یک وضعی دارند.

سؤال: خشیت و مشفق در دعا می‌آید؟

پاسخ: خشیت از رب و مشفق بودن یک بخشی از آن به خاطر عظمت پروردگار است. پس باید حتماً این درگیر باشد. ایمان به آیات هم چون گرویدن است هم می‌تواند اینجا باشد، بیشتر مال اینجا است. دوری از شرک هم اینجا **آتَى** هم اینجا قرار می‌گیرد. ترس از رجوع اینجا یک چرخه درست می‌کند. به سمت دعا می‌رود. ترس، عجز حالت **وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَّةٌ** همه اینها با هم ارتباط دارند. و از هم گسسته نمی‌شوند در هم تنیده هستند. حتی ممکن است شما نتوانید اینها را جدا کنید. ولی در مجموع این یک موتوری درست می‌کند که از آن خیر در می‌آید و موتور خیر است. خداوند در این آیه موتور خیر را به پنج مؤلفه تعیین می‌کند. که یک بخش آن به طور واضح مربوط به عبودیت است. و یک بخش دیدن صفات کمال و یک بخش هم مربوط به دعا و احساس عجز است. این سه تا یکی بلنگد بقیه هم می‌لنگند. دیدید می‌روند لاستیک‌های ماشین را بالانس می‌کنند، تا از حالت بالانس بودن خارج می‌شود باید حتماً بالانس شود. این چیزی بود که ما جلسه پیش گفتیم. و تقاضایی که داریم در هر سوره‌ای که رفتید و هر سوره‌ای که می‌خوانید، سعی کنید این سه وجهی را کشف کنید. و لازم نیست برای آن واژه پیدا کنید لزومی ندارد. هر موضوعی که مربوط به صفات کمالی و رؤیت کمال و افق و چشم‌انداز و مقصد و ارتفاع یافتن، بالا رفتن باشد؛ مربوط به مؤلفه اول، ستایش می‌شود. در نفس ستایش رفعت پیدا کردن است (این گروه اعتکاف رفعا) اسم‌شان را بر اساس حمد انتخاب کرده‌اند **رفعا لک ذکرک**، رفعت؛ بالا رفتن هر چیزی است. یک سوره‌ای می‌خوانید و یک کاری انجام می‌دهید هر چیزی که مربوط به علو و بالا رفتن، ارتفاع پیدا کردن، قرب و رو به کمال رفتن است را در مؤلفه یک، مؤلفه حمد و ستایش بگذارید. خیلی وقت‌ها نواقص ما مربوط به این است که در کارهای مان کمال و ارتفاع نمی‌بینیم. کاری می‌خواهیم انجام دهیم بزرگ نمی‌شویم. وقتی یک کاری را می‌خواهیم انجام دهیم به اندازه آن کار رفعت پیدا نمی‌کنیم. از آن کار صرف نظر می‌کنیم یا مأیوس می‌شویم. فکر کنید مادری است و مادری می‌کند زحمت هم می‌کشد آخر شب که می‌شود به جای اینکه احساس کند در پیشگاه خدا یک جایگاهی پیدا کرده است و محبوب‌تر شده است، احساس می‌کند عجب خرابکاری‌هایی امروز کرده‌ایم. احساس اینکه به جای رفتن به طبقه دوم به زیر زمین رفته‌است، بالا نمی‌رود و احساس شادابی از مادری خود ندارد، از پدری خود احساس بلندی ندارد.

سؤال: عامله ناصبه!؟

پاسخ: بعد کم کم خاشع می شود و عامله ناصبه می شود. خیلی لازم است انسان عملی که انجام می دهد وجه کمالش دست او را بگیرد، ملاقات با کمال داشته باشد و حالش خوب باشد. حتی اگر بیمار هم می شود و مریض هم می شود یک وجه کمال دارد، آن وجه کمال را ببیند. اگر نادار هم می شود وجه کمال آن را ببیند. اگر محروم هم هست وجه کمال آن را ببیند. اگر مصیبت هم به او وارد می شود وجه کمال را ببیند. نفس به سمت راضیه مرضیه شدن می رود. و اصل ماجرای رضایت از حمد شروع می شود. از اینجا انسان به مقام محمود می رسد و مقام او محمود می شود یعنی مرضی خداوند می شود. این بعد اول است و در هر کاری باید باشد. در هر سوره ای که می خوانید می توانید رد آن را پیدا کنید. همه عقایدی که مربوط می شود شما را به اینجا برساند مربوط به این می شود. هر موضوعی که بار تکلیفی برای شما ایجاد می کند، که باید کاری را انجام دهید، از جهت وظیفه انجام دهید، این در پرستش قرار می گیرد.

دقیقه ۳۰ تا ۴۰

در مثال قبل یک پدر یا مادری باید معاش زیر دست خود را تأمین کند این وضعیت یعنی پرستش می کند. هر چیزی که او را برای انجام دادن یک کاری خاضع می کند اسم آن پرستش است. که خصوصیات دین و تعریف دین است. انسان از آن حالت رها بودن خارج می شود و خود را در قید قرار می دهد. پس آن چیزی که مهم است مقید شدن است.

هر موضوعی که احساس رجوع به علم و قدرت را در فرد زنده می کند یعنی برای یک کاری باید به عالمِ قدیر، علیمِ قدیر رجوع کند به نیایش مربوط می شود. در نیایش یک رجوع آگاهانه ای به علیمِ قدیر برای دریافت حیات است که می گوید: **اِسْتَجِیْبُوا** دعای رسول صلی الله علیه و آله و سلم را بپذیرید تا حیات به شما بدهد به این نیایش می گویند. که هم صلوات و هم صلوات از این گرفته شده است. **صلواتِ صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً** یعنی شما تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستید و به علم و قدرت ایشان رجوع می کنید به علم و قدرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جریان می دهید. پس سه بعد شد. این موضوع در همه ای این کارها هست. این روح هر کار خیر و حُسن می شود. اگر کاری از یکی از این سه مورد خالی بود یا خالص نبود اسم آن را کار خیر یا حسن نمی گذارند، یعنی کار خیر این است که این سه مورد در آن ممزوج باشد و با آنها مخلوط باشد، یک تفاوتی دارد که در حال حاضر نمی خواهیم تفاوت آن را بگوییم در این صورت است که شما قدرت، سرعت پیدا می کنید. یعنی به محض اینکه چرخه شروع به چرخیدن می کند سرعت و سبقت پیدا می کنید. سبقت پیدا می کنید یعنی خداوند در ذات انسان قدرتی گذاشته است که وقتی در مسیر خیر است از خودش هم جلو می زند. یعنی به طور مثال در گذشته اگر با این هزینه خیری را انجام می داد اکنون با همان هزینه بیشتر از آن را انجام می دهد، فردا با همان هزینه بیشتر آن را انجام می دهد، پس یعنی

مرتب به سمت هزینه کمتر و سود بیشتر است. اما اگر این کار را انجام ندهد چرخه به عکس می‌چرخد و هزینه بیشتر می‌شود و خیر کمتر می‌شود. این سیستم عسر و یسر می‌شود و ساختار عسر می‌شود. ساختار سبقت همین است. سبقت یعنی شما در گذشته این مقدار هزینه می‌دادید و این مقدار دریافتی داشتید، در گذشته چه میزان پول می‌دادید و چه خانه‌ای را می‌گرفتید؟ این عکس شده است، این عسر شده است. در گذشته طلا آن مبلغ بوده است و در حال حاضر این مبلغ شده است. همانطور که هزینه‌ها بالا می‌رود، منفعت‌ها کم می‌شود. همان پول را دادید اما یک خانه کوچک‌تری را گرفتید. سال بعد همان پول را بدهید و یک خانه کوچک‌تر بگیرید. سال بعدش همان پول را که می‌دهید دیگر خانه نمی‌دهند. سبقت در خیر، عکس این است. تصور کنید که قبلاً با همان مبلغی که پرداخت می‌کردید، می‌توانستید خانه‌ای پنجاه متری بخرید، اما اکنون با همان مبلغ، خانه‌ای صد متری به شما پیشنهاد می‌دهند. سبقت این گونه است، سبقت به نسبت دیگری نیست به نسبت خود فرد است. علت آن این است که شما رجوع به علم و قدرت پیدا می‌کنید. به همان نسبت علم و قدرت دریافت می‌کنید قدرت‌تان بالا می‌رود و به همین ترتیب این بحث مقدماتی برای دور جدید صحیفه بود که از سوره مؤمنون هم شروع کردیم، خیلی این سوره، سوره‌ی عجیبی است، اجازه بدهید چند آیه از آن را بخوانم ابتدا آیه اول بودم بعد آیه ۵۴ و اکنون آیه ۸۴ هستم

بینیند:

قُلْ

ای پیامبر بگو

لَمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾ بَلْ آتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾

این سه مطلب را مطرح می‌کند می‌گوید: اگر زمین متعلق به خداوند است، چرا متذکر نمی‌شوید؟ اگر آسمان‌های هفتگانه متعلق به خداوند است، چرا تقوا پیشه نمی‌گیرید؟ اگر همه چیز بیده ملکوت کل شیء و هو یجیر و لا یجار علیه، این مربوط به نیایش است. چرا سحر شدید؟ چرا نگاه‌های‌تان بند آمده است؟ چرا نمی‌توانید مشاهده کنید؟ سحر شدید مربوط به نماز است و در اصل هم این گونه است که آنهایی که نماز نمی‌خوانند، به گونه‌ای سحر می‌شوند، سحر می‌شوند و نمی‌توانند نماز بخوانند، در غیر این صورت همه باید بتوانند نماز بخوانند.

فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

تُسْحَرُونَ یعنی اینکه چرا قدرت حال شما به این میزان گرفته است؟ چرا درگیر حواشی و خیالات و فضای مجازی و... این موارد شده است. فَأَنَّى تُسْحَرُونَ.

سؤال: این سه عامل مهم ترین عوامل جاری شدن اراده خداوند هستند؟

پاسخ: بله اراده خدا است که همراهی فعل انسان با فعل خدا است. اینکه به این تعبیر که می‌گوییم به این صورت است.

سؤال: فرمودید که این مفهوم ... در کار باید داشته باشند ... از بچه‌ها سؤال کردید این سه اسم در سوره ناس به حمد برمی‌گردد یا خیر فرمودید خیر زیرا آنها می‌توانند ...

پاسخ: بله گفتم تناظری ایجاد نکنید و بین آنها نگوید این به‌طور مثال اله آن مربوط به یکی و...

سؤال: نامفهوم

پاسخ: می‌توانید این کار را انجام دهید. در مورد اسماء می‌توانید بگویید غلبه مثلاً اله با پرستش است غلبه مثلاً ملک با...

سؤال: نامفهوم

پاسخ: همه آنها را با پرستش می‌توانید بگیرید. همه آنها را با ستایش می‌توانید بگیرید. همه آنها با نیایش هم می‌توانید بگیرید.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: ندارد. مَلِك و رَبّ نیز امر و نهی دارد. یعنی آن سه مورد را خدا انتخاب کرده که رَبّ و مَلِك و اله... شما خیلی از اوقات امر و نهی‌ها را به رَبّ نسبت می‌دهید مانند این است که سه ساحت از نیاز انسان است که هر سه آنها کمال و امر و دعا دارد.

دقیقه ۴۰ تا ۵۰

خیلی سخت است که بخواهید شما به آنها تناظر بدهید.

سؤال: آنها که لَهُ الْمُك می‌گویند.

پاسخ: آنها که اختصاص می‌دهند بله لَهُ الْمُك لَهُ الْحَمْد لَهُ الْفَلَان با این انطباق دارد.

سؤال: نامفهوم

پاسخ: در لَهُ ها می‌خورد. ولی در آن که می‌گویید نمی‌خورد. کلاً یک مقدار وقتی که تناظر می‌دهید بایستی رعایت کنید. در تناظر بعضی وقت‌ها آدم فریب می‌خورد جالب هم بیرون نمی‌آید.

سؤال: می‌شود ساختار دریافت نصر الهی را نصر را بر اساس این بگوییم؟

پاسخ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

سؤال: امری را دریافت می‌کنیم انجام می‌دهیم و متوجه نواقص و نیازهایی که داریم می‌شویم رشد پیدا می‌کند دوباره امر جدید..

پاسخ: بله می‌توانید فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ. تسبیح بِحَمْدِ رَبِّكَ هم حمد است، هم امر است و استغفار هم در لایه‌ی دعا می‌آید می‌شود، مشکلی نیست. حمد آن هم می‌تواند خودِ نصر و فتح به عنوان حمد نگاه بشود. به ذهن من می‌رسد که یکی از کارهای خیلی خاص یا یک کارعام خود را فرقی نمی‌کند در نظر بگیرید بعد در این بچینید، بعد ببینید چطوری می‌توانید به آن ارتفاع و ارتقاء بدهید. یک کار خیری که در ذهن شما هست را چگونه می‌شود بالا برد؟ بالا بردن یعنی قرائت، چگونه می‌شود آن را قرائت کرد طوری که آن کار شما را هم بالا ببرد. سبب اِقْرَأْ شما بشود. شما بتوانید یک پله بالا بروید. یک کار خیر در ذهن خود بیاورید. یک کار خیر طبق آن چیزی که گفتیم هر چقدر آن کار خیر جنبه‌ی کمالی آن و جنبه‌ی اثربخشی آن و جنبه‌ی نفع آن تقویت بشود، این بُعد اول را بالا می‌برد. هر چقدر که احساس کنید آن کمال، امر خداست و بر اساس امر خدا شما این کار را انجام می‌دهید آن موقعی که دارید انجام می‌دهید احساس کنید که خدا به شما گفته است و شما دارید حرف خدا را می‌شنوید نه حرف کسی دیگر، شما بالا می‌روید. و هر چقدر که احساس عجز بکنید از اینکه بتوانید ادای امانت بکنید، ادای عهد بکنید و خودِ خدا باید جبران بکند و خودِ خدا بتواند کمک کند، هر چقدر این جنبه و کفه‌ی دعا را تقویت کنید آن کار خیر بالا می‌رود. توجه کنید چه عواملی منجر می‌شود که نگذارد این سه تا تحقق پیدا کند. اول حواس شما پرت می‌شود که امر خداست. شما دهها بار در خانه‌ی خود ظرف‌های خود را شستید. به خاطر چه کسی بوده است؟ به خاطر امر حاج آقا، امر حاج خانم، امر یک کسی دیگر بوده است. نه اصلا مجبور بودید کسی نبوده که اینها را بشوید، در ذهن شما نمی‌آید که ممکن است خدا هم به شما امر کرده باشد، که یا ایها الناس ظرف‌های خود را بشوید. وقتی یا ایها الذین آمنوا کُلُوا مِنْ طِیِّبَاتٍ می‌گوید یعنی ظرف‌های خود را هم بشوید همینطوری که نمی‌گوید. وقتی شما می‌خواهید یک چیزی را بخورید نباید ظرف آن تمیز باشد؟ کُلُوا مِنْ طِیِّبَاتٍ فکر کردید کُلُوا مِنْ طِیِّبَاتٍ بدون ظرف آن می‌گوید؟ شما باید ربط بدهید کاری که می‌کنید را با امر خدا ربط بدهید. چرا شما این کار را انجام می‌دهید؟ چون می‌خواهیم عمل صالح انجام بدهیم. ظرف می‌شویم که عمل صالح انجام بدهم چه ربطی دارد؟ می‌خواهید این ظرف‌ها همینطوری باشد؟ پدر ما می‌گفت فلائی. ما نشسته بودیم داشتیم بازی می‌کردیم. برو به همسایه بگو بیاید ظرف‌های شما را بشوید. شوخی می‌کرد. چون منظور او این بود که نکند انتظار دارید که همسایه باید بیاید ظرف‌های خانه‌ی شما را بشوید؟ جالب بود برای هر مطلبی اصطلاح داشت. ریخت و پاش که می‌کردیم می‌گفت بلند شو بلند شو به همسایه بگو بیاید اینجا را تمیز کند. ما بلند می‌شدیم

و فکر می کردیم راستی راستی باید برویم بگویم همسایه بیاید اینجا را تمیز کند. می گفتیم چرا همسایه باید بیاید تمیز کند؟ بعد می فهمیدیم که باید ما تمیز کنیم. این بلند شو بلند شو اصطلاح تمیز کن بود.

هر امری از جانب خدا باشد یک غایتی دارد که به رسیدن خود آن غایت آن است و حتماً از جنس کمال است. شما بروید وضو بگیرید، یعنی طهارت. طهارت به خاطر این است که پاک بشوید. پس هر امری درون خود در آن ستایش هم دارد. کارهای شما خیلی مهم است امر خدا ندارد. می گوئیم به ذهن ما می رسد که ما بنده‌ی خدا هستیم یک دفعه **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** گفتیم تمام شد. یک دفعه برای یک دفعه گفتیم، چرا هر روز باید ما همینطور تکرار کنیم؟ به همین دلیل می گویند هر کاری را می خواهید انجام دهید **كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُدْكَرُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتْرُ**. غذا می خورید **بِسْمِ اللَّهِ**، ظرف می خواهید بشوید **بِسْمِ اللَّهِ**. هر کاری می خواهید بکنید **بِسْمِ اللَّهِ** بگویید یعنی شما دارید اجازه‌ی آن را از چه کسی می گیرید؟ از خدا می گیریم این پرستش می شود. خود **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** واقعاً اذن عجیبی است. شما خدای **رَحْمَنِ رَحِيمِ** می گوئید و انتظار دارید رحمت در آن جاری بشود این حمد آن می شود. ولی شما می دانید از آن آدم‌هایی نیستید که بر خیر و برکت ... در کار ما نیست و از خدا می خواهیم که خدایا ما هم یک مقدار خیر و برکت داشته باشیم چه اشکالی دارد. این دعای شما می شود. خدایا ما هر کاری می کنیم در آن خیر و برکت ندارد تو باید خیر و برکت را به ما بدهی. خیلی خوب است که یک غذایی طعم خود را از خدا بگیرد. آن مادری که دارد غذا را درست می کند بگوید خدایا من که توان آشپزی ندارم ولی تو که می توانی به این طعم بدهی. و شما به بچه‌های خود یک غذایی بدهید که طعم آن را خدا داده است جالب نیست؟ هر چقدر کم آشپزتر و خدا آشپزتر بهتر. هر چقدر شما نا آشناتر و خدا آشناتر در آن باشد بهتر است. این حسّ شما که غذای این دفعه یک طعم دیگر دارد چرا؟ - هیچوقت قورمه سبزی‌های شما یک طعم ندارد - چون خدا می دهد. اینکه خدا گفته است **كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ** می خواست بگوید هیچوقت خدا یک کار را دوبار دو حالت تکرار نمی کند. همیشه وقتی برای آشپزی به شما کمک می کند یک جور دیگری به شما کمک می کند یک طعم دیگری می دهد. اینطوری شما متوجه می شوید که خدا در خانه‌ی شما جاری است به خاطر طعم‌های مختلف غذایی که دارید.

دقیقه ۵۰ تا ۶۰

دارم از **يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا** که به رسول **صلى الله عليه وآله وسلم** گفت، می گویم. یعنی وقتی می گوید **كُلُّوا**، گویی همه چیز از خوردن شروع می شود.

سؤال: این بحث را فرمودید که روی امر و کار بینیم، ما قبلاً در حیات طیبه هم آن دوازده اسم اهل بیت را و آن بسم الله دومی که دارد را روی امر برده بودیم. یک مدل ارتقاء امور به واسطه اسماء اهل بیت بود.

پاسخ: بله، در حمد می‌رود.

سؤال: آنجا مثلاً حضرت علی حکم و امر بود. می‌خواهم بینم آن قابل تقلیل به این سه تا است؟ یا نه، لزوماً ربطی ندارد. یعنی اگر ما بخواهیم آن را دسته‌بندی کنیم در یکی از اینها می‌افتد یا اینکه آن خودش یک سه تایی ...

پاسخ: نه آن خودش یک دستگاه مختصات دیگری دارد. البته به هم ربط پیدا می‌کنند، ولی کلاً مؤلفه‌ها در هم رفت آمد پیدا می‌کنند. ولی آن بیشتر روی نظامات امت است. این روی خیر، انجام کار خیر است. آن روی تنوع امت است.

سؤال: در آن اصل را روی امت ببریم؟

پاسخ: بله

سؤال: از این جهت می‌پرسم که دو جلسه پیش صحبتی شد که سه تایی مصدر هشت تایی و هفت تایی بعدی هستند.

پاسخ: ولی بعد آن، امت می‌شود. هر کدام از اینها ساحت متفاوتی دارند. اصلاً بحث روی امت می‌رود.

سؤال: پس لزومی ندارد نسبت بدهیم.

پاسخ: خیر، اصلاً بحث روی امت می‌آید.

سؤال: اینجا نمی‌خواهیم روی بحث امت ببریم؟

پاسخ: نه، البته شما ممکن است بعد آن سه تایی و پنج تایی و هفت تایی، به سمت امت برود و خودش تبدیل به امت بشود ولی الان جدا جدا بحث می‌کنیم. خود آن، فضا متفاوت است. یعنی اهل بیت علیهم السلام امام صفاتی می‌شوند که در امت ظهور پیدا می‌کنند. آنها ویژگی‌های امت می‌شوند. اصرار من برای اینکه با شما بحث می‌کنم این است که اگر شما این موضوع را متوجه بشوید ارتباطات داخل دعا را متوجه می‌شوید و گرنه اگر کسی این را متوجه نشود، دعاها تکه‌هایی از عبارات بهم چسبیده‌اند. سازه نیستند یعنی اگر شما یک دعایی را می‌خوانید به شکل سازه نمی‌خوانید به شکل یک برنامه نرم‌افزار نمی‌خوانید. به شکل یک عبارت می‌خوانید و این خوب نیست. در صورتی که اگر شما این کار را انجام دهید و ببینید، تا یک دعا و یک سوره را می‌بینید، بلافاصله آن را یک نظام برنامه‌ای می‌بینید، بلافاصله آن را به نظام باید و نباید تبدیل می‌کنید. بلافاصله از داخل آن کلی مطلب بیرون بکشید. این نظام و خاصیت تفصیل است. قدرت تفصیل، شما را نسبت به کارهای خیر خود بالا می‌برد. قدرت گزاره‌ای شما را بالا می‌برد. شما طبق این جریان هر خیری، با دعایی مستحکم می‌شود

و به اهداف و مقاصد خود می‌رسد. این برای دعا است، یعنی حتماً شما باید هر خیری را که انجام می‌دهید با دعا همراه کنید. شما فرزند خود را مدرسه می‌خواهید بفرستید. واقعاً کار سختی است که بچه را مدرسه بفرستید، آنهایی که دارند سختی زیادی تحمل می‌کنند. اول با خدا معامله و دعا کنید. اینطور خیلی مسیر شما هموارتر خواهد بود تا اینکه همینطوری وارد کار شوید. هر خیری با دعایی مستحکم می‌شود و شما باید بدانید آن خیر از جانب خدا جاری شده است نه از جانب شما. **حَیْرُكَ اِلَيْنَا نَازِلٌ** هر خیری از ناحیه خداوند نازل می‌شود.

سؤال: یک چیز جالب در سوره مبارکه مؤمنین هست که ادبیات مؤمنین سوره دعایی است. حتی وقتی در بهشت هم که می‌روند با ربنا جمله خود را می‌گویند .

پاسخ: بله احسنت بر شما

سؤال: از انبیا تا مؤمنین آنها .

پاسخ: ... یعنی در بین امور زندگی، تدبیر در حقایق قرآن و تقرب به خدا از بالاترین رفعت و سنگین‌ترین بار تکلیف و وظیفه برخوردار است. لذا بایستی بیشترین رجوع، به علم و قدرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم انجام شود. (پیام یکی از مخاطبین مجازی)

هر کدام از اینها یک سری گزاره دارد. در هر خیری مقصد آن خیر، وجه کمالی آن است. توجه به آن مقصد و اظهار آن و شکر برای رسیدن به آن و ستودن آن موجب ارتفاع آن خیر است. همیشه بالا رفتن‌ها با حمد است. حمد است که بالا می‌برد. نگاه حسن‌بین است که بالا می‌برد. یک کاری را ارتفاع می‌دهد. اسم پسر شما سجّاد است. مقصد او این است که به امام سجّاد برسد. ستودن نام این فرزند به عنوان سجّاد و به یاد آوردن این و مرتّب این نام را به زبان جاری کردن به عنوان مقصد، و برای او بزرگ کردن، او را رفعت می‌دهد. هر چقدر بچه‌ها نسبت به اسم‌های خودشان، اشعار بیشتری داشته باشند، ارتفاع بیشتری دارند. هر چقدر وقتی که اسم خودشان را می‌گویند بیشتر کیف کنند و با ذوق و شوق بگویند، قدرت آنها در رفعت بالاتر است. اینها حمد است. شما به بچه‌ها که می‌رسید هر چقدر بتوانید وجوه کمالی آنها را به آنها نشان بدهید، چه لباس قشنگی! چه دست قشنگی! چه چشم قشنگی! چه موی قشنگی! چه کار قشنگی! چقدر خوب! چقدر زیبا! این رفعت پیدا می‌کند. هر کار خیر، در کار خودتان به‌به دارم غذا درست می‌کنم! چه غذایی! غذایی! که بناست آن شعر آقای مهدی رسولی، بناست آن نان بشود، انرژی در عبادت و بازوی در خیر بشود. به‌به چه غذایی، که در صحنه‌ها حاضر بشود. خیلی آن شعر قشنگی است.

دقیقه ۶۰ تا ۷۰

(اشاره به پسر بچه‌ای که در جلسه شعر را حفظ است)

شما بتوانید به غذا (درست کردن) اینگونه نگاه کنید. مطبخ را اینگونه نگاه کنید...

(شعر خوانی پسر بچه)

قربۀ الی الله میرم طرف تنور

تو حیاط خونه ذکرم آیه‌های نور

قربۀ الی الله توی خونه مون

پیچید عطر خوش نون

این نون قراره قوت بازوی علی و زینت سفره حسن شه

عزت زینب و حسین و سجده‌ی نیمه شب من شه

یا ذالقوة المتین یا الله یا الله یا الله

بارک فی بیت امیرالمومنین یا الله یا الله یا الله

این چند آیه سوره مؤمنون را هم بخوانیم. آیه ۱۱۵ می‌فرماید که:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۷﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۱۸﴾

فلسفه این ماجرا چیست؟ اینکه خلق انسان عبث نیست و حتماً به سمت خدا می‌رود. اینکه می‌گوید:

أَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

یعنی شما باید متفاوت به آن چیزی که متولد شده‌اید به سمت خدا بروید و تفاوت کنید. أَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ، اگر فکر کنید پیش خدا

نمی‌روید، دیگر انگیزه‌ای برای بهتر شدن ندارید. انسان در صورتی از حرکت به سمت کمال بازمی‌ایستد که احساس رجوع به پروردگار

نداشته باشد. این رجوع به پروردگار به معنای رجوع به عنوان حساب است. یعنی عمل داشته باشد و حساب کند. حرکت به سمت کمال،

در یک قسمت حمد است و در یک قسمت پذیرش پرستش است و یک قسمت هم نیایش است. ماهیت حرکت به سمت کمال، یعنی از

پرستش به نیایش به ستایش.

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ

بلند مرتبه است خدایی که ملک است، حق است،

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ.

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، جنبه‌ی ستایشی دارد.

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ

به نظرم این بحث را به همین مقدار و همین جا متوقف کنیم و به سراغ بحث صحیفه حضرت برویم.

دسته بندی نمازهای حضرت زهرا سلام الله علیها

من در بخش صحیفه به نظرم رسید که روی نمازهای حضرت به صورت مجزا کار کنیم. در کتب صحیفه، نمازهای زیر از حضرت فاطمه سلام الله علیها نقل شده است. من اینها را خلاصه نوشته‌ام که بعد وارد بحث شویم.

یکی نماز مخصوص روز جمعه است که دارای دعای نسبتاً طولی است.

یکی نماز خوف است که آن هم در روز جمعه توصیه شده است و مربوط به زمانی است که امر نگران کننده‌ای بر فرد وارد شود. نمازی که حضرت جبرئیل آموزش داده‌اند. مناسبت آن گفته نشده، معمولاً این نمازها بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است، بعد از رحلت پیامبر صلی الله ظاهر حضرت مراد زبیدی با حضرت جبرئیل داشته‌اند. این نمازی است که حضرت جبرئیل توصیه کرده‌اند. نمازی که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها به عنوان زوج، بیان کردند که جنبه‌ی استحکام خانواده دارد.

نمازی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها آموختند که مربوط به زمانی است که مصیبتی بر فرد وارد می‌شود یا دچار ستم سلطانی بوده یا چیزی را گم می‌کند. یک نماز دارند با عنوان نماز اوآیین، یعنی کسانی که زیاد به خدا رجوع می‌کنند و خدا و پیامبر را زیاد یاد می‌کنند. یک نماز به نام شب جمعه دارند.

یک نماز شب اول ذی‌الحجه دارند. البته طبق این حرف معلوم است که حضرت برای همه ما، نماز داشته‌اند ولی یکی از آنها اینجا ذکر شده است. بنابراین نمازهای حضرت به چهار دسته قابل تقسیم هستند: نمازهایی که وابسته به ماه قمری هستند و مناسبت عبادی و منسکی دارند. مثل ماه ذی‌الحجه. نمازهایی که وابسته به زمان شب و روز جمعه هستند و مربوط به ایام هفته است. نمازهایی که با موضوعهای متنوع دیگری است مثل خوف، مصیبت و...

یک نماز دیگر هم هست که خیلی‌ها نسبت به آن درگیری دارند و روی اعصاب آنها است، نمازهای استغاثه‌ای است که در سجده یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی وجود دارد. بعضی‌ها از این نماز خیلی بدشان می‌آید. و می‌گویند شرک است! می‌گویند ما نمی‌توانیم. جواب این شبهه این است که هرکس فکر می‌کند شرک است، نخواند و هرکس فکر می‌کند شرک نیست، بخواند. زیرا آن کسی که نماز می‌خواند، به عنوان شرک نمی‌خواند. او نماز را برای خداوند می‌خواند. حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را به درگاه خداوند واسطه می‌کند و به ایشان استغاثه می‌کند. اما چون این ذکر را در سجده می‌خوانند، خیلی از افراد بدشان می‌آید. خیلی از من سؤال کرده‌اند. من هم به اعتقاداتشان احترام گذاشته‌ام. زیرا بحث توحید بسیار بحث مهمی است. اگر کسی گفت این نماز شبهه شرک دارد، به او می‌گویم این را نخوانید. آن کسی که می‌خواند، نگاه او شرک نیست و به عنوان شرک نمی‌خواند.

سؤال: معلوم است که اهل بیت علیهم‌السلام رشته اتصال به خدا هستند. مثل اینکه در مفاتیح هم آمده که استغاثه به اهل بیت را نمی‌گویند. پاسخ: این چیزی که شما می‌گویید، نکته ظریفی است که در این ادعیه دیده می‌شود.

به هر حال خیلی از افراد این را از من پرسیده‌اند. هر چه هم توضیح داده‌ام، متقاعد نشده‌اند. باز هم گفته‌اند در سجده نباید اسم غیر خداوند برده شود. اشکالی هم ندارد. احتمالاً شما اگر به خود حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها هم بگویید: ما فکر می‌کنیم اسم شما نباید در سجده بیاید، ایشان استقبال می‌کنند و می‌گویند: شما سجده را بروید و ذکر خداوند را بگویید. اسم ما را هم نگفتید، نگفتید. بعد هم در همه کارهایتان شرک نداشته باشید، همان‌طور که در سجده شرک ندارید. چون اهل بیت علیهم‌السلام آمده‌اند که ما موحّد شویم و اصلاً هدف توحید است.

پس نمازهای منسوب به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها به چهار دسته و یا پنج دسته تقسیم شدند: یک سری وابسته به زمان است. این زمان یا هفته و یا ماه است. یک سری وابسته به نیاز به ارتقای خود فرد است. کاملاً هم معنوی است و هیچ انگیزه‌ای غیر از ارتفاع گرفتن و بالا رفتن ندارد که نماز او آیین است. یک سری وابسته به حاجت است؛ مثل امر نگران‌کننده. حتی نماز استغاثه را هم می‌توان در اینجا قرار داد. نمازهای خوف هم اینجا هستند. به نظر می‌رسد ارتقای بعضی از نمازها فردی و برخی اجتماعی است. در ارتقای اجتماعی هم برخی مربوط به خانواده و برخی مربوط به کل اجتماع است. دسته‌بندی به این شکل هم می‌توان داد. خیلی پر و پیمان است. نسبت به بقیه اهل بیت علیهم‌السلام که مثلاً یک یا دو نماز از آنها نقل شده است، درباره حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نمازها به شکل معناداری تنوع دارد. ممکن است مثلاً نمازهای وابسته به زمان که درباره ماه‌هاست، دوازده مورد بوده باشد اما فقط یک مورد آن به ما رسیده است. یا مثلاً نماز برای شب قدر

یا شب‌های دیگر هم داشته‌اند؛ اما نیامده است. حتماً ایشان برنامه‌های دیگری هم داشته‌اند و نیامده است. اینجا می‌توانیم جاهای خالی نمازها را هم ببینیم. یعنی مثلاً در سال به جز نمازهای واجب، ده‌ها نماز مستحب داشته‌اند. همین مقداری که وارد شده هم خیلی زیاد است. سؤال: نماز حفظ در کدام دسته قرار می‌گیرد؟

پاسخ: نماز حفظ وابسته به ارتقاء یا مربوط به حفظ است. بهتر است نمازهای حفظ را به عنوان یک دسته بیان کنیم. در نتیجه بهتر است نماز حفظ در این بخش بیاید. زیرا حفظ است و خیلی به ارتقاء مربوط نیست.

وقتی من نمازها را انتخاب کردم، چند سؤال نوشتم که به نظرم سؤالات مهمی هستند. اول اینکه: چرا باید در زندگی حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها، به جز نمازهای واجب و نمازهای مستحب معمول که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صورت هفده رکعت در شبانه‌روز مانند نمازهای شب می‌خواندند، نمازهای دیگری نیز وجود داشته باشد؟ چرا باید به حضرت نماز اختصاص داده شود؟ اساساً اختصاص نماز به معصوم به چه دلیل است؟ این اختصاص از حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها شروع شده و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام رسیده و سپس به بقیه اهل بیت علیهم‌السلام منتقل می‌شود. بحث اختصاص نمازها از اینجا شروع می‌شود. اینجا سرچشمه است. زیرا بقیه اهل بیت علیهم‌السلام هم به نوعی نماز مخصوص خود را پیدا کردند. اصلاً اختصاص نماز به چه دلیل است؟

دوم اینکه: چرا آنقدر متنوع هستند؟ در عین اینکه تنوع دارند، شاکله عمومی آنها سوره حمد و توحید و قدر است. خود این هم جالب است. یعنی تنوع عموماً روی عددهاست و روی تنوع سوره‌ها نیست. چرا توحید و قدر در این نمازها خیلی مهم هستند؟ چرا آنقدر زیاد است؟ مثلاً صدتا و دویست تا خوانده می‌شود. خود این مهم است.

سؤال: استاد تازه اینها به جز نافله شب است. چطور فرصت می‌کردند؟ برخی می‌گویند حضرت آنقدر نماز می‌خواندند که پاهای ایشان ورم می‌کرده است.

پاسخ: من بعضی وقت‌ها فکر می‌کردم اینها نمی‌شود اما در عمرم برخی از افراد را دیدم. فکر می‌کردم ممکن است بعضی از اینها خوانده شود، اما دیدم برخی از افراد که اهل عبادت هستند، می‌خواندند. اهل بیت علیهم‌السلام که دیگر در جای خودشان هستند. انسان‌های معمولی دیدم که می‌توانند این کار را انجام دهند. اما خود اینکه انسان میل و رغبت و حس نسبت به انجام کاری داشته باشد، مهم است. این میل انسان را به سمت آن کار می‌کشد.

سومین سؤال این است که ویژگی‌های این نمازها چیست؟ چه کارکردهایی دارد؟ این نمازها با خودشان چه پیام‌هایی را به ما انتقال می‌دهند؟

چهارمین سؤال اینکه: آیا این نمازها می‌توانند برای ما هم کاربرد داشته باشند؟

دقیقه ۸۰ تا ۹۰

آیا با دسته‌بندی که اینجا کردیم، گفتیم وابسته زمان به و وابسته به موارد دیگر، این می‌تواند الگویی برای عبادت و ستایش و نیایش ما ایجاد کند؟ آیا این می‌تواند خودش الگو باشد؟ اگر این الگو شود اینها که وابسته به زمان، ارتقاء، حاجت، حفظ و کیفیت نمازها نوشته‌ایم، هر کدام از این یک وجه حمدی، وجه امر و نهی و وجه دعایی پیدا می‌کنند که در بعضی از آنها خیلی واضح است.

سؤال: کارها یسر می‌شود؟

پاسخ: بله.

سؤال آخر این است که: آیا ما از اینها می‌توانیم الگویی برای ستایش و نیایش و پرستش و تقویت این موضوع به دست بیاوریم؟ اساساً می‌توانیم از درون این مجموعه، علم نماز حتی نمازهای معمولی نماز مغرب و عشاء را بلند کنیم؟ یعنی ارزش نماز را پیدا کنیم، ارزش نماز بالا برود؟ ما ممکن است نتوانیم این نمازها را بخوانیم ولی با دانستن این، ممکن است ارزش نماز در زندگی تقویت پیدا کند و همین نمازهای ما جهت پیدا کند. وجود نماز چه نقشی در زندگی ما دارد؟ اصلاً چگونه می‌توانیم وجود نماز را در زندگی خود احیاء کنیم؟ اینها مجموعه سؤالاتی می‌شود که ما باید دنبال آنها بگردیم.

برای اینکه بی‌نصیب نشویم، چند تا راه دارد که این بحث را دنبال کنیم؛ یکی این است که ابتدا جایگاه نماز را در قرآن پیدا کنیم. مثلاً اینجا ثواب نماز مشهور به نماز حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها یا نماز اوّابین را می‌گویند که می‌گویند این نماز بین اصحاب و شیعیان به نماز امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم مشهور است. اولاً خیلی از کارهای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشترک بوده است. که خود این هم یک نکته‌ای است. این قدر هست که می‌گویند این نماز، مشهور به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و بعضی جاها می‌گویند که نماز برای حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها است.

در روایت آمده است از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است هر کسی وضو بسازد و آغاز نماید چهار رکعت نماز گذارد، در میان هر دو رکعت یک سلام بدهد و در هر رکعت یک بار حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید را بخواند، از نماز فارغ شود در حالیکه میان او و خداوند عزوجل گناهی نمانده باشد مگر اینکه همه آمرزیده شده باشد.

همین روایت آمده است و می‌گویند که این نماز حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است و نام همین نماز، نماز توبه‌کنندگان است. یعنی به معنای به منزله توبه‌ی از گناه است. دو مرتبه این اشاره شده است که آن را به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نسبت داده‌اند.

برای نماز در انسان یک عجز یا طلبی شکل می‌گیرد یا یک طلبی که در آن عجز هست، نماز به نیت برطرف شدن آن عجز یا رسیدن به آن خواسته اقامه می‌شود، یک فرایند نمازی صورت می‌گیرد و شما را در یک چرخه‌ی کمال تا استجاب دعا قرار می‌دهد.

خاصیت نمازهایی که ذکر کردیم این گونه است. یا مربوط به حفظ یا حاجت یا ارتقاء یا وابسته به زمان است، همه‌ی اینها از یک عجز یا طلبی شروع می‌شود، یک فرایندی برای نماز گفته شده است که یک استجاب دعایی برای آن هست. در بعضی از آنها این بخش اشاره شده است. مثلاً در نماز اوّابین، نام آن نماز اوّابین شده است. طلب این است که بنده یک‌سری گناه دارم، نمی‌توانم کاری با آنها کنم، سدّ راه من شده است، ایجاد مانع کرده است، مانع بین من و خدا است. عجز دارم از اینکه بتوانم این گناهی که مانع است را حذف کنم. طلب دارم که این مانع را بردارم. پایان این طهارت و پاکی می‌شود.

ممکن است کسی بگوید که با همین یک نماز، فرد پاک می‌شود؟ به هر حال کسی که اعتقاد داشته باشد و بخواند، لابد پاک می‌شود. منظور این نیست که انسان نسبت به گناه اهمال کند و خدای ناکرده گناهان را سخیف بشمارد! این نمونه اول بود.

نمونه‌های نماز این گونه است؛

نمونه اول: یک طلبی و یک عجزی هست، یک نتیجه‌ای برای آن نماز هست.

نمونه دوم: این است که یک نماز هست، یک طلب و عجز است و بعد به یک دعای تفصیلی می‌رسد. مثل اینکه طلب، وسعت پیدا می‌کند. با یک طلب و عجزی شروع می‌شود، گویا ثواب آن، گسترش طلب است، ارتفاع طلب است. در روایاتی که می‌گویند

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ^(ص) أَنَّهُ قَالَ:

منظور این است که حضرت فاطمه ^{سلام‌الله‌علیها} راوی آن بودند و از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت فاطمه ^{سلام‌الله‌علیها} تعلیم شده است.

نمونه دوم این است که

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ^(ص) أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمِهَا:

هر کسی در شب جمعه یا روز جمعه بخواند. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَائَتِي مَرَّةً فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً:

دویست مرتبه سوره توحید را بخواند، مجموع آن دویست مرتبه و در هر رکعتی پنجاه تا بخواند، مثل نماز قبلی است. منتها مثل قبلی هم نیست به گونه‌ای دیگر است.

عُفِّرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ

بعد می‌فرمایند

وَيَسِيحُ عَقِبَهَا فَيَقُولُ:

این تسیح را بخواند:

دقیقه ۹۰ تا ۱۰۰

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

بعد می فرماید

ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (ع) فَكَانَتْ وَبِحَقِّ أَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا وَأَعْظَمِهَا إِجَابَةً وَأَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ.

این، طلب را دارد وسعت می دهد.

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي آلِ مُحَمَّدٍ:

معلوم است که این برای همه‌ی نسل و ذریه خوانده شده است.

وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي آلِ مُحَمَّدٍ وَتُقَدِّمَ بِهِمْ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ:

یعنی کاری کن که آنها به هر خیری توفیق پیدا کنند.

وَتَبْدَأْ بِهِمْ فِيهِ وَتَفْتَحْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي:

این دعای من آسمان را باز کند.

وَتَرَفَّعْ عَمَلِي فِي عِلِّيِّينَ:

اینجا یک طلب و عجز نسبت به غفران ذنوب است. اینجا ختم می‌شد و وسعت پیدا می‌کند، دیگر بحث غفران نیست. از سلسله، همه

کسانی که بعد از من هستند و از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم هستند اینها در این عالم و خودم خیر بینند.

وَتَرَفَّعْ عَمَلِي فِي عِلِّيِّينَ وَتَعْجَلْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَرَجِي وَتُعْطِنِي سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ حَيْثُ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ السَّمَاءَ بِالْهَوَاءِ وَدَحَا الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى يَا مَنْ سَمَى نَفْسَهُ بِالْأَسْمِ الَّذِي يُقْضَى بِهِ حَاجَتُهُ مَنْ يَدْعُوهُ وَأَسْأَلُكَ بِهَذَا الْأِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى مِنْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْضِيَ حَاجَتِي وَ

تَسْمَعُ دَعْوَاتِي وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَوْصِيَانِهِمْ صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ عَلَيْهِمْ فَيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ فَشَفِّعْهُمْ فِيَّ وَلَا تُرِدْنِي خَائِبًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ثُمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ^۴

یعنی خود او هم حاجت دارد.

سبک دعا، سبک نماز به این صورت است که نماز مقدمه‌ای برای این دعای تفصیلی است. فکر کنید که این پیشران است و این باید تحقق پیدا بکند. این می‌آید، محقق شود. مثل این است که نماز یک آیین نامه تفصیلی و یک اثری در زندگی انسان می‌گذارد، این اثر آن است. این هم نمونه دوم شد.

توصیه به خواندن دعای بعد از نمازها و نماز روز جمعه حضرت زهرا سلام الله علیها

نمازهایی که بعد از آنها دعا دارند و تعداد آنها هم زیاد نیستند. مثلاً اگر ده تا نماز دارید، دو یا سه تا از آنها هستند که دعای تفصیلی دارند، همه آنها دعای تفصیلی ندارند، بعضی‌ها دارند؛ بعضی‌ها کوتاه و بعضی‌ها بلند هستند. خیلی دعاهای آنها مهم می‌شوند. نمی‌دانم بگویم که دعاها مهمتر است یا نمازها مهمتر هستند، نمی‌شود گفت. چون آن دعا خیلی وزن پیدا کرده است. اگر خودتان فرصت پیدا کردید دعا را مطالعه کنید، متوجه منظور بنده می‌شوید.

این نمونه هم مثل همین نماز است منتها دعا و هم نماز آن خیلی مهم است. روایت‌هایی که سر و ته دارند، خیلی جالب هستند. مثل این روایت که می‌گوید راوی در روز جمعه به امام صادق علیه السلام رسید.

قَالَ: دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ لَهُ تَعَلَّمَنِي أَفْضَلَ مَا أَصْنَعُ فِي هَذَا الْيَوْمِ:

بعضی از راوی‌ها خیلی زرنگ بودند می‌گفتند بهترین کاری که شما در روز جمعه انجام می‌دهید چیست؟

فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ،

نام او محمد بود.

مَا أَعْلَمُ أَنْ أَحَدًا كَانَ أَكْبَرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَلَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ:

دیگر بزرگتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه سلام الله علیها که نیست، بالاتر از این علمی هم که آموخته است نیست!

وَلَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا:

^۴ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ج ۸۶ ص ۳۱۹

یعنی خیلی رتبه‌ی علمی او بالا است. این را دارد در جایگاه علم مطرح می‌کند. پس اینجا طلب و عجز او یک تعلیم است. تعلیم است یعنی حضرت عمل صالحی انجام می‌دهند که در آن علم دارد. درست است که می‌گوید نماز را به او آموزش داد، ولی وقتی که با این عبارت می‌گوید یعنی اینکه او این نماز را با این عبارت آموخت. بعد می‌گوید که غسل می‌کند و

قَالَ مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَغَتَسَلَ وَصَفَّ قَدَمَيْهِ وَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مَثْنَى مَثْنَى يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رُكْعَةٍ الْحَمْدَ وَالْإِخْلَاصَ خَمْسِينَ مَرَّةً وَفِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَالْعَادِيَاتِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَفِي الثَّلَاثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَإِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ خَمْسِينَ مَرَّةً وَفِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ خَمْسِينَ مَرَّةً وَهَذِهِ سُورَةُ النَّصْرِ وَهِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ:

یعنی آخرین سوره‌ای بود که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد. اینها دلالت است. توحید، عادیات، زلزله و نصر؛ یک سیر دارد. از توحید شروع می‌شود، قیام و مبارزه، عمل صالح و عمل خیر، فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿۷﴾ و بعد هم سراغ سوره نصر می‌رود.

و هِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا دَعَا:

وقتی که فارغ شد، این دعا را می‌خواند که این دعا خیلی توصیه شده است که روزهای جمعه خوانده شود حتی در بعضی از روایتها آمده است که همین طوری آن را بخونید.

سؤال: اصل آن شب است یا روز جمعه؟

پاسخ: دَخَلَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

می‌فرماید که

قَالَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِقِيَادَةِ إِلَهِي مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَإِلَيْكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهَيُّتِي وَ تَعَبُّتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ مَعْرِوْفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي [تُخَيِّبْنِي]

این دعا خیلی جالب است. یعنی تمام جوهی که یک انسان می‌تواند به خدا توجه کند و از خدا اجری یا ارجی از خدا دریافت کند در این خط هست.

دقیقه ۱۰۰ تا ۱۱۰

تمام جوهی که انسان می‌تواند در ذهن خود بیاورد که به خدا رجوع کند و از خدا دریافتی داشته باشد، نوعی دریافت داشته باشد در این یک خط هست. اگر کسی بخواهد این دعا را شرح دهد باید کل قرآن را شرح بدهد.

اینها چیزهایی است که انسان می‌ترسد که آن را شرح بدهد و سراغ آن برود یعنی کل قرآن است.

ارج یعنی شما ارزش پیدا کنید، اجر یعنی پاداش پیدا کنید. یعنی ارزشمند شوید و پاداش دار بشوید در این است. انواع حالت‌های آن هم هست. بد نیست که امشب که شب لیلۃ الرغائب است، این حتماً خوانده شود. گویا این روح همه‌ی حوائج انسان است. همه‌ی حوائج انسان با این قابل بیان است.

این بحث نمازهای حضرت شد. دو حالت وجود دارد که ما برنامه‌های خود را جلو ببریم. یک حالت این است که ما این نمازها را یکی یکی باز کنیم. و این دو نمونه را که به هر حال این دو تا نمونه هست، اول نمونه‌های اول را بگوییم بعد نمونه‌های دوم را بگوییم. بعد از درون آن در این چهار تایی قبلی یک جمع‌بندی کنیم. نمی‌دانم چه قدر در حوصله‌ی جمع هست چون برخی ممکن است بگویند ما نمازهای معمولی خود را هم نمی‌خوانیم، حالا شما مثلاً می‌گویید که دو سوره تا سوره حمد، دو سوره تا سوره توحید بخوان یا مثلاً این قدر سوره قدر بخوان، چرا بخوانیم؟

اینها را من نمی‌دانم. می‌شود تحلیل کرد. وقتی به نماز می‌رسیم، فضا خیلی وسیع و بلند می‌شود و ممکن است حرف و سخن آن، در اقتضای ما نباشد.

راه دیگر آن این است که ما بحث مقدماتی راجع به نماز در قرآن انجام دهیم. یعنی تحلیلی بگوییم که نظر خداوند در قرآن راجع به نماز چیست و از نماز چه انتظاراتی دارد. بعد که از قرآن یک فضای ذهنی برای ما ساخته شد و دیدگاه خدا را نسبت به نماز پیدا کردیم، تطبیق دهیم که این نمازها چقدر انطباق دارد و چقدر می‌تواند آن را اجابت کند و چطور می‌تواند اجابت کند؟ بعد یک دستاورد کاربردی داشته باشیم.

مقایسه اینها خیلی عجیب است. یعنی وقتی به نماز می‌رسید، یک مرتبه نماز حالت می‌گیرد، یک حالت عروج پیدا می‌کند. مثل موشک که می‌خواهد حرکت کند و آسمان را بشکافد و برود، یک حالت هجوم و حرکت شتابان پیدا می‌کند. یعنی حرکت انسان به سمت کار خیر، تهاجمی می‌شود. به هجوم آن فعال بگوییم چون شما که نمی‌خواهید به خدا هجوم بیاورید. منظور از حالت آن، حالت فعال است. ظاهر نماز یک عملیاتی است که شما رو به قبله می‌ایستید، ساکت می‌شوید ولی در درون غوغا ایجاد می‌کند. انسان از حالت انزوا، انفعال، خارج می‌شود. این خیلی مهم است.

دقیقاً عکس آن چیزی است که آدم‌ها نسبت به نماز فکر می‌کنند. یعنی فکر می‌کنند که افرادی که به سمت نماز می‌روند، انزوا پیدا می‌کنند. در صورتی که در مکتب امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و البته اصل آن در مکتب قرآن، نماز خارج کردن از حالت افول یا حالت انزوا یا حالت انفعال است. یعنی خروج از حالت افول، خروج از حالت انفعال، خروج از حالت تأثر، خروج از

حالت سکون می‌باشد. به سکون، خامد بودن یا خاموش بودن می‌گویند. نماز خروج از اینها است. مثل اینکه در آن یک غلغله‌ای بر پا می‌شود، زلزله ایجاد کردن است. ایجاد زلزله می‌کند که شبیه به خود قیامت می‌شود. محل آن، محل نزول قرآن می‌شود، مهبط وحی یا محل هبط وحی می‌شود. خود آن، قیامت می‌شود. یک مرتبه چیز خیلی عجیب می‌شود.

سؤال: قیامت، به اعتبار لقائی است که ایجاد می‌شود؟

پاسخ: بله. به اعتبار لقائی که ایجاد می‌شود. اصلاً گویا قیامت، جلوه‌ی نماز است. یعنی نماز، مثل قیامت می‌شود. حالا این امر عجیب استثنایی راجع به آن خیلی حیف می‌شود که ما بگوییم مثلاً حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها ده نماز داشتند.

سؤال: اگر اول از سمت قرآن برویم ...

پاسخ: بله. باید ابتدا نظر خداوند راجع به نماز برای انسان جا بیفتد، بعد می‌فهمیم که چرا باید ...

اینها خروج از افول، خروج از انفعال، خروج از تأثر، خروج از سکون است. اینها چیزهای خیلی مهمی در نماز است. ما ممکن است نماز شب نخوانیم، یا نمازهای حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را نخوانیم و فقط به نمازهای خودمان بسنده کنیم، هیچ اشکال ندارد. ولی باید ارزش نماز را بدانیم. یعنی دانستن ارزش نماز، قدرت همین نمازها را بالا می‌برد. به نظرم ما تا ارزش همین نمازها را ندانیم، ارزش آن نمازها پیدا نمی‌شود. در روایات داریم که همین نمازهای پنج‌گانه که می‌خوانیم_ در روایات آمده است و این را بنده از روایات برداشت کردم؛ تصور کنید که در روایت گفته است_ که هر کسی نماز مغرب بخواند، خدا همه گناه‌های او را می‌بخشد. می‌گوییم واجب است که ما بخوانیم. بعد می‌گویند گناه را هم می‌بخشد. بعد می‌گوییم اگر نماز عشاء را بخوانیم چطور است؟ می‌گویند همه گناهانش را می‌بخشد. شما می‌گویید ما که سری قبل خواندیم، مگر آدم چه قدر گناه می‌کند؟ نگاه انسان نسبت به گناه و طهارت عوض می‌شود که انسان متفاوت می‌بیند. وقتی در دستگاه‌های مختصات دیگری باید این را نگاه کنید تا بعد بفهمید وقتی حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌واله به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌گویند این نماز را بخوان تا گناهان تو بخشیده شود، حضرت نمی‌گوید مگر من گناه داشتم که شما این حرف را می‌زنید؟! اگر برای بخشش گناهان باشد که همین نماز مغرب و عشاء برای بخشش گناهان کافی است. لزومی ندارد انسان برای بخشش گناهان نمازهای دیگری بخواند. نه! چیز دیگری می‌خواهد بگوید. راجع به گناه اینگونه فکر نمی‌کند، بلکه گناه آن وضعیت انقطاعی است که انسان از ربّ خود به واسطه ویژگی‌های دنیا در خودش ایجاد می‌شود. داستان آن خیلی متفاوت می‌شود.

در استفاده از متن جلسات لطفاً به موارد زیر توجه شود :

- فایل پیاده جلسات صرفاً جهت مطالعه و مرور مطالب بیان شده در جلسات می باشد و نمی تواند به عنوان "منبع علمی" مورد استناد قرار گیرد. (احتمال تغییر محدود مطالب بیان شده در جلسات وجود دارد).
- لطفاً از هرگونه "تقطیع" متن جلسات جهت تهیه متن نوشته و ... به دلیل نارسایی در انتقال درست مضامین، خودداری شود.
- فایل متن جلسات "صرفاً" برای اعضای کانال می باشد و امکان نشر آن در سایر بسترها نیست.
- پیشنهاد میشود در مواردی که متن جلسه گویا نیست با توجه به زمان درج شده به صوت جلسه رجوع شود.
- شیوه پیاده سازی جلسات انطباق کامل متن با صوت می باشد. لذا در صورت مشاهده هرگونه مغایرت، لطفاً به شناسه @sm_nouri اطلاع فرمایید.

جهت تداوم نشر عمومی متن جلسات و بهره مندی از منافع آن، تعهد جمعی به موارد فوق را خواستاریم.

سپاس از همراهی تان